

ما از عدالت سهمی داریم  
سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۶۰

۹ آذر ۱۴۰۰ / ۳۰ نوامبر ۲۰۲۱

حقوق ما

حق دسترسی به وکیل و یک تبصره جنجالی

## در این شماره می‌خوانید:

تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری؛ تلاش مقامات قضایی برای حذف آخرین موانع نقض حقوق متهمان

افزایش پرونده‌های مرتبط با جرایم اقتصادی و شتاب گرفتن روند اجرای تبصره ماده ۴۸

موسی برزین: قوه قضاییه مرجعی صالح برای تنظیم آیین‌نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری نیست

نقض حق دسترسی به وکیل، مکانیسمی برای ایجاد خفقان در جامعه

معین خزائلی: نقض حق دسترسی به وکیل، نقض حقوق اساسی بشری است

وکلاهای غیر مستقل؛ مطلوب جمهوری اسلامی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: آفاق ربیعی‌زاده، جواد عباسی توللی، نقی محمودی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



که نزد افکار عمومی علیه او و تیمش وجود دارد را به زمان ریاست لاریجانی در قوه قضاییه هدایت کنند و هزینه این قانون ننگین را گردن آن دوره بیاندازد. در صورتی که در دوران ریاست لاریجانی بر قوه قضائیه، آقای اژه‌ای معاون او بود و در آن دوره تلاش‌هایی بسیاری صورت گرفت تا تبصره ماده ۴۸ در مجلس تصویب شود و اتفاقاً این تبصره در واپسین روزهای پیش از اجرایی شدن قانون آیین دادرسی کیفری، با اصلاحاتی که وجهه قانونی نداشت، به تصویب رسید.

چنین اظهاراتی بیشتر جنبه نمایشی دارد، وگرنه رئیس جدید قوه قضاییه می‌تواند برای اصلاح قانون، یک لایحه قانونی از طرف قوه قضاییه تنظیم و از طریق مجلس، قانون یاد شده را تغییر دهد.

از سوی دیگر، فرایند اجرا شدن این تبصره در زمان ریاست رئیسی نه تنها کمتر نشد، بلکه شدت بیشتری هم به خود گرفت.

تکمیل لیست وکلای مورد تایید رئیس قوه قضاییه در زمان ریاست رئیسی بر قوه قضاییه صورت گرفت. بیشتر در مراجعه به دادگاه لیستی وجود نداشت و جسته گریخته وکیلی را معرفی می‌کردند یا به صورت گزینشی وکلا را می‌پذیرفتند.

آیا می‌توان چنین برآورد کرد که اجرا شدن این تبصره در راستای کنترل اعتراضات سراسری در سال‌های اخیر و مخدوش سازی حق دسترسی به وکیل برای معترضان هم صورت گرفته است؟

مقیمی: به نظر من اساس عملکرد این‌ها بر پایه نادانی استوار است. مگر وکلایی که اجازه همراهی با متهم را داشتند، چه کاری انجام می‌دهند؟! تنها دلیل اجرا شدن چنین تبصره‌ای این است که عده معدودی از وکلاء برخی مواقع در رابطه با زندانیان سیاسی از طریق مصاحبه یا نوشتن مقاله یا شرح محاکمه، افکار عمومی را نسبت به آنچه در دادگاهها می‌گذرد، آگاه می‌سازند. حضور چنین وکلایی برای آن‌ها خطری نداشت، جز اینکه گاهی تلنگری

## تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری؛ تلاش مقامات قضایی برای حذف آخرین موانع نقض حقوق متهمان



جواد عباسی توللی

چنین رویکردی از سوی دستگاه قضایی کشور سبب نقض حق دفاع و همچنین خدشه دار شدن بسیاری از قواعد و اصول مسلم حقوقی خواهد شد.

مسأله استقلال وکلای دادگستری در ایران همواره یکی از مسائل محوری مورد بحث درباره حاکمیت قانون و دادرسی عادلانه بوده است.

مجله «حقوق ما» برای بررسی بیشتر تبعات اجرای تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، با محمد مقیمی، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر گفت‌وگو کرده است.

غلامحسین محسنی اژه‌ای، پیش از انتصاب به ریاست قوه قضاییه و زمانی که در جایگاه معاونت این قوه حضور داشت، با اجرای این تبصره مخالفت کرده بود. با وجود این مخالفت‌ها او تاکنون اقدام موثری برای توقف اجرای تبصره ماده ۴۸ انجام نداده است. ارزیابی شما از این مسأله چیست؟

مقیمی: چنین اظهاراتی [مخالفت اژه‌ای با اجرای تبصره ماده ۴۸] جنبه پروپاگاندا دارد. او می‌خواهد مخالفت خود را در ظاهر اعلام کند، با این هدف که واکنش‌های منفی

حق دسترسی به وکیل، در قوانین داخلی اکثر کشورهای جهان و همچنین در بسیاری از اسناد بین‌المللی، به عنوان یکی از شاخصه‌های دادرسی عادلانه در نظر گرفته شده است. در حقیقت محروم نماندن متهمان از این حق، سبب می‌شود وکلای پرونده در تمامی مراحل دادرسی، برای حداکثری حق دفاع متهمان، حضور داشته باشند. این در حالی است که قانونگذاران در ایران با افزودن چند بند به قانون جدید دادرسی کیفری، حضور وکیل انتخابی را در تمامی مراحل دادرسی به‌ویژه مرحله تحقیقات مقدماتی و دادسرا محدود کرده‌اند.

در سال ۱۳۹۲ تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب نمایندگان مجلس رسید. به موجب این تبصره، مقرر شده افرادی که با اتهامات امنیتی مواجه هستند، وکلای خود را از میان کسانی انتخاب کنند که مورد تایید رییس قوه قضاییه باشد.

اجرای چنین مصوبه‌ای از سوی قوه قضاییه منجر به بروز واکنش‌های اعتراضی بسیاری به‌ویژه از سوی برخی از وکلای دادگستری شده است. منتقدان بر این باورند اتخاذ

بر وجدان آنها بود (البته اگر وجدانی باشد).  
به نظر من مقامات قضایی به دلیل نادانی، چنین واکنشی نشان می‌دهند و واقعا ارزش چنین هزینه‌ای را نداشت. این سازوکارها برای این است که وکلای حقوق بشری نتوانند وکالت کنند و کوچکترین مانعی در برابر صدور احکام ظالمانه، ناعادلانه، خلاف اصول حقوقی و قوانین وجود نداشته باشند. در واقع، می‌خواهند هر مانعی را از میان ببرند تا صدایی به بیرون درز نکند، توسط وکیل اطلاع‌رسانی صورت نگیرد و افکار عمومی آگاه نشود.

**گفته می‌شود تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً در مراحل مقدماتی و دادسرا لازم الاجراست و در جریان برگزاری دادگاه، متهمان می‌توانند وکیل انتخابی داشته باشند، آیا این گزاره صحیح است؟**

مقیم: تبصره یادشده مقرر می‌دارد فقط در مرحله تحقیقات مقدماتی وکیل از لیستی که به تایید رئیس قوه قضاییه رسیده است، انتخاب شود. تحقیقات مقدماتی فقط در دادسرا صورت می‌گیرد. بنابراین، متهم باید بتواند در دادگاه وکیل انتخابی خود را داشته باشد. البته مهم‌ترین قسمت دادرسی در پرونده کیفری، تحقیقات مقدماتی و دادسراست.

امروزه، متهم حتی پیش از بازداشت نیز باید حق دسترسی به وکیل را داشته باشد. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ نیز این موضوع به رسمیت شناخته است. در واقع، شالوده پرونده کیفری در تحقیقات مقدماتی پی‌ریزی می‌شود.

ولی با وجود تصریح قانون‌گذار، برخی قضات دادگاه‌های انقلاب آن را به دادگاه نیز تعمیم می‌دهند. آغازگر این مورد، قاضی ابوالقاسم صلواتی بوده است. او به این تبصره استناد کرد و برخی دیگر قضات از او پیروی کردند. حتی وقتی به آنان می‌گفتم که این تبصره مربوط به مرحله دادسراست، نمی‌پذیرفتند و در پاسخ می‌گفتند به طریق اولی در دادگاه

نیز این تبصره قابل اجرا است. در واقع، با تفسیر موسع، دامنه آن را گسترش می‌دهند.  
این در حالی است که در آیین دادرسی کیفری، تفسیر موسع باید به نفع متهم صورت گیرد و نه به ضرر او. استثناء را نمی‌توان تفسیر موسع کرد و گسترش داد. در علم حقوق همواره، استثناء را باید تفسیر محدود کرد و اصل را گسترش داد. متأسفانه این موضوع در دادگاه‌های انقلاب در بیشتر مواقع رعایت نمی‌شود.

حجت الاسلام آصف حسینی قاضی شعبه ۱ دادگاه انقلاب کرج نیز با همین استدلال از ورود وکلاء جلوگیری می‌کند. متأسفانه با وجود اینکه قانون فقط این تبصره را برای مرحله تحقیقات مقدماتی یعنی دادسرا در نظر گرفته است اما قضات دادگاه‌های انقلاب آن را به دادگاه تسری می‌دهند که خلاف نص قانون است.

**به نظر شما، به دنبال نقض حق دسترسی به وکیل، چه حقوق دیگری از متهم نقض خواهد شد؟ آیا می‌توان حق دسترسی به وکیل را یک حق پایه‌ای در نظر گرفت که با از دست رفتن آن متعاقباً حقوق دیگر متهم هم تضییع شود؟**

حق دسترسی به وکیل جزء حقوق اساسی و اولیه متهم است. وقتی که در جریان دادرسی، متهم از حق دسترسی به وکیل انتخابی برخوردار نباشد، در واقع از یک دادرسی عادلانه که یک حق بشری است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشری و قانون اساسی کشورمان نیز مورد شناسایی قرار گرفته، محروم می‌شود. در این صورت، کل فرآیند دادرسی نامعتبر است و حتی می‌توان حکم دادگاه را در دیوان عالی کشور به همین علت نقض کرد.

به طور خلاصه اگر متهمی از حق دسترسی به وکیل انتخابی محروم باشد، کل فرآیند دادرسی عادلانه زیر سوال رفته و نامعتبر است.

## افزایش پرونده‌های مرتبط با جرایم اقتصادی و شتاب گرفتن روند اجرای تبصره ماده ۴۸

### جواد عباسی تولی

تأسیس کانون وکلای دادگستری در ایران به اسفند ماه سال ۱۳۳۱ و دوران نخست وزیری محمد مصدق بازمی‌گردد. لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری در ایران توسط مصدق امضا شد. از آن زمان تا انقلاب سال ۱۳۵۷ در ایران، کانون وکلا به عنوان تنها نهاد غیردولتی و دموکراتیک برای پیشبرد روند دادرسی عادلانه به شمار می‌رفت.

پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در ایران و روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی، این نهاد حقوقی نه تنها از سوی قوه قضاییه تحت فشار قرار گرفت، بلکه سران حکومتی در ایران از ابتدا تاکنون به طور پیوسته تلاش داشته‌اند استقلال وکلای دادگستری و به تبع آن «حق دفاع» متهمان را مخدوش سازند. تصویب تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از این مواردی است که قوه قضاییه ایران با توسل به آن، بسیاری از متهمان سیاسی را از حق دسترسی به وکیل انتخابی محروم کرده است.

یک وکیل دادگستری معتقد است از زمان برپایی دادگاه‌های رسیدگی به جرایم اقتصادی (موسوم به دادگاه‌های ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی)، اجرای تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری هم بیش از گذشته در دستور کار قرار گرفته است.

«در مردادماه ۱۳۹۷، مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد بر اساس تقاضای ابراهیم رئیسی، رئیس سابق قوه قضائیه و به دستور علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، دادگاه ویژه‌ای جهت

برخورد با اخلاص‌گران و مفسدان اقتصادی تشکیل خواهد شد.» حقوق ما برای بررسی بیشتر این موضوع با الهه غفاری، وکیل دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز، ساکن تهران، گفت‌وگو کرده است.

**اجرا شدن تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، حق دسترسی به وکیل را که از حقوق اساسی متهم است را نقض می‌کند. ارزیابی شما از این مسأله چیست و به نظر شما به دنبال نقض حق دسترسی متهمان به وکیل، چه حقوق دیگری از آنها سلب خواهد شد؟**

غفاری: تبصره ماده ۴۸ مشخصاً و به وضوح حق دسترسی به وکیل را محدود کرده است. علاوه بر آن ماده ۶۲۵ آیین دادرسی کیفری هم چنین نتیجه‌ای داشته است. ماده ۶۲۵ حق دسترسی به وکیل را در جرایم امنیتی محدود می‌کند. موضوع این است که طبق اصل ۳۵ قانون اساسی، در همه دادگاه‌ها طرفین حق انتخاب وکیل دارند. در ادامه همین اصل قانونی گفته شده که اگر [طرفین دعوی] توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند، باید امکانات تعیین وکیل برای آن‌ها فراهم شود. این اصل بدون هیچ قید و شرطی وجود دارد و قانون اساسی هم، به عنوان قانون مادر تلقی می‌شود.

آیین دادرسی کیفری برخلاف اصل ۳۵ و هم برخلاف اسناد حقوق بشری که معیارهای اساسی دادرسی عادلانه در آن‌ها به رسمیت شناخته شده، برخی از اصول مسلم دادرسی عادلانه را

محدود کرده است. تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی یکی از مصادیق آن است.

در سال‌های گذشته، اجرای تبصره ماده ۴۸ به این صورت بود که تا یک هفته افراد موضوعه این تبصره، نباید حق دسترسی به وکیل داشته باشند اما در حال حاضر محدودیت‌ها افزایش یافته و مصوب شده متهمان باید از میان وکلای مورد اعتماد رئیس قوه قضاییه، وکیل خود را انتخاب کنند.

اوایل تصویب این تبصره، تعداد وکلای اعلام شده از سوی قوه قضاییه، بیشتر از ۴۵ نفر نبود اما در حال حاضر این تعداد بیشتر شده است. هر ساله رئیس قوه قضاییه، لیستی از وکلای قابل اعتماد خود را اعلام می‌کند. ملاک و معیار این وکلای قابل اعتماد دقیقاً مشخص نیست. عموماً اسامی قضات شناخته شده یا خوش‌نام دادگاه‌های مختلف یا از قضات دادگاه انقلاب را می‌فرستند و پس از بررسی، تأیید می‌کنند و دقیقاً ملاک و معیار آن مشخص نیست.

در مواردی که در تبصره ماده ۴۸ معرفی شده، تنها از بین این وکلا، امکان انتخاب وجود دارد. پیشتر چنین رویکردی عموماً هم برای جرایم اقتصادی و هم برای جرایم امنیتی-سیاسی استفاده می‌شد. در حال حاضر متهمان جرایم اقتصادی علاوه بر این وکلای مورد اعتماد رئیس قوه قضاییه، از وکلای دیگر هم می‌توانند معرفی کنند اما برای جرایم امنیتی-سیاسی هنوز این تبصره پا بر جاست و همچنان متهمان فقط می‌توانند از بین همان تعداد وکلای مورد تأیید قوه قضاییه انتخاب کنند.

**با وجود اینکه اجرای تبصره ماده ۴۸ مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی است اما مواردی هم وجود داشته که در مرحله دادگاه هم وکلا اجازه حضور در کنار موکل خود نیافته‌اند. نظر شما در این زمینه چیست؟**

غفاری: عملاً بدین ترتیب است که وکیلی که از همان ابتدا انتخاب می‌شود تا آخرین مرحله دادگاه هم همان وکیل باقی خواهد ماند. به عبارت دیگر به متهم اجازه داده نمی‌شود وکیل دیگری غیر از آن شخص انتخاب کند. اما از آنجایی که بیشترین پرونده‌هایی که در حال حاضر جنبه عمومی پیدا کرده و مشکلاتی در این زمینه ایجاد شده بود، در مورد جرایم اقتصادی بود و همچنین به دلیل اینکه تعداد چنین پرونده‌هایی در سال‌های اخیر افزایش یافته، متهمان دیگر ملزم نیستند که صرفاً از بین وکلای مورد اعتماد قوه قضاییه وکیل خود را



انتخاب کنند.

**به نظر شما چرا اجرای تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی در دستور کار قوه قضاییه قرار گرفت؟ آیا می‌توان یکی از دلایل اتخاذ چنین رویکردی را کنترل شمار زیاد بازداشت شدگان اعتراضات سراسری در سال‌های اخیر و به نوعی تحت فشار قرار دادن زندانیان سیاسی تعبیر کرد؟**

غفاری: در نفی و صحت این نظریه صحبتی ندارم منتها همیشه و در همه مراحل آنچه که برای حکومت ایران یا حکومت هر کشور دیگری مهم بوده، برقراری نظم است و برای برقراری این نظم از هر راهی که امکان اجرا داشته باشد، چشم‌پوشی نمی‌کنند.

اینطور نیست. حتی این وکلای مورد اعتماد با دادرسی‌هایی که در حال انجام است سر سازگاری ندارند. می‌توان گفت حتی وکلای موضوع تبصره ماده ۴۸ هم با مشکلات زیادی مواجه شده‌اند و در بسیاری از مواقع به آن‌ها اجازه داده نمی‌شود با قاضی دیدار داشته باشند.

در مرحله تحقیقات مقدماتی عملاً به بسیاری از آن‌ها اجازه حضور نمی‌دهند یا در صورت اجازه حضور، اجازه صحبت ندارند و به آن‌ها اعلام می‌شود اگر مطلبی وجود دارد، تنها در صورت جلسه قید شود. از آنجایی که جزو این وکلا نیستیم، نمی‌توانیم زیاد راجع به آن‌ها نظر بدهیم اما با توجه به دیده‌ها و شنیده‌ها، می‌دانم که عملاً تقصیری بر دوش آن‌ها نیست.

در متن اولیه ماده ۱۱۲ آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۰ که حق دفاع از متهم را تجدید می‌کرد، واژه صریحی درباره دخالت وکیل متهم در عرصه تحقیقات مقدماتی وجود نداشت. این ماده قانونی در سال ۱۳۳۵ تحول پیدا کرد و تبصره‌ای به ماده ۱۱۲ الحاق شد که بر اساس آن متهم می‌توانست یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را در جلسه دادگاه همراه خود داشته باشد. وکیل هم بدون مداخله در امر تحقیق، پس از خاتمه بازجویی می‌توانست مطالبی را برای روشن شدن حقیقت در دفاع از متهم یا برای اجرای قوانین به بازپرس تذکر دهد. یعنی باز حق دفاع برای متهم قائل نبودند و اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس نمی‌شد.

نه در آن جرایم و در آن حد وسیع اما عملاً هنوز هم در مورد جرایم کوچک و در دادرسی‌های مختلف، اجازه نمی‌دهند که وکیل در تحقیقات مقدماتی دخالت داشته باشد.

اجازه دهید یکی از تجربیات شخصی خود در این زمینه را بازگو کنم: در جریان یکی از پرونده‌ها، قصد داشتم همراه متهم به دادسرا وارد شوم اما بازپرس اجازه حضور در شعبه را نداد. چون تخلف بود، درخواست کردم که این مورد را در صورتجلسه قید کنند. از ترس اینکه بعداً در دادگاه انتظامی از آن‌ها شکایت نشود، اجازه حضور داده شد ولی اجازه صحبت نداشتم.

این ماده دوباره در سال ۷۸ تغییر پیدا می‌کند. قبل از اصلاح به این صورت بود که تا یک هفته متهم اجازه داشتن وکیل نداشت و الان بعد از اصلاح چندین و چند باره اجازه داده شده که وکیل حضور داشته باشد و در جریان تبصره ۴۸ باید فقط از بین وکلای مورد اعتماد رئیس قوه قضاییه باشد.

از آنجایی که بحث ما فقط درباره پرونده‌های سیاسی و امنیتی نیست و به زعم من تعداد پرونده‌های مرتبط با جرایم اقتصادی بسیار بیشتر است، به نحوه رسیدگی به جرایم سیاسی و اینکه آیا اساساً برگزاری دادرسی عادلانه در مورد آن‌ها اتفاق می‌افتد یا خیر؟ نمی‌پردازم.

در سال‌های گذشته، بحث جرایم اقتصادی مطرح شد. در مورد مجرمان اقتصادی که یکی پس از دیگری دستگیر شدند و علیه آن‌ها پرونده باز شد، برای اینکه اطلاعات پرونده این متهمان به بیرون درز نکنند و برای برقراری نظم، این تبصره اجرا شد.

شاید عموم مردم این‌گونه فکر کنند که وکلای تبصره ۴۸ دقیقاً آنچه که رئیس قوه قضاییه می‌خواهد را عملی می‌کنند ولی عملاً

## جواد عباسی تولی

ابراهیم ریسی، رئیس پیشین قوه قضاییه ایران، اوایل تیرماه سال جاری، آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری را ابلاغ کرد. این آیین نامه در ۱۶۴ ماده تنظیم شده و وفق ماده آخر، از تاریخ ابلاغ، لازم‌الاجراست.

متعاقب تصویب و ابلاغ آیین نامه یاد شده، اعضای کانون‌های وکلای دادگستری به همراه هیأت عمومی اسکودا [اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری] با صدور بیانیه‌ای، اعلام کردند این آیین نامه را به دلیل مغایرت با قانون و همچنین خدشه‌دار کردن استقلال کانون‌های وکلای و به علت عدم تضمین حقوق دفاعی شهروندان، مندرج در اصل ۳۵ قانون اساسی، قابل اجرا ندانسته و به آن تمکین نخواهند کرد.

پس از انتصاب غلامحسین محسنی اژه‌ای، به ریاست قوه قضاییه، جمعی از مدیران نهاد وکالت به همراه نایب رئیس اسکودا، در اواخر مردادماه با او دیدار کرده و مخالفت صریح خود را با آیین نامه جدیدالتصویب لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری اعلام کردند. از سوی دیگر، آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری همچنین مواعی را بر سر راه برگزاری آزمون وکالت و پذیرش کارآموزان جدید ایجاد کرده است.

حقوق ما برای بررسی بیشتر این موضوع، با موسی برزین، وکیل دادگستری گفت‌وگو کرده است.

## موسی برزین:

## قوه قضاییه مرجعی صالح برای تنظیم آیین نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری نیست

برخی وکلای اجرای آیین نامه جدیدالتصویب لایحه استقلال ۱۴۰۰ را مانعی در برگزاری آزمون وکالت و همچنین زیر سوال رفتن استقلال وکلای دادگستری می‌دانند. به نظر شما چرا در صورت اجرای این آیین نامه، استقلال کانون وکلای مخدوش خواهد شد؟

برزین: این لایحه به صورت فوری و هم‌زمان با نوزدهم امسال توسط قوه قضاییه تصویب شد و بیش از آنکه درباره مسائل ماهوی کانون وکلای باشد، در رابطه با فرم کانون وکلاست. از آن جمله می‌توان به نحوه انتخابات هیأت مدیره، نحوه صدور پروانه، آزمون، ظرفیت‌ها و تعامل قوه قضاییه با کانون وکلای اشاره کرد. در لایحه قانونی استقلال که در سال ۱۳۳۳ تصویب شده بود، پیشبینی شده که آیین‌نامه مربوط به آن، توسط کانون وکلای تنظیم و از طریق وزیر دادگستری تصویب شود. در آن زمان وظیفه تصویب آیین‌نامه‌ها به عهده وزیر دادگستری بود اما در حال حاضر رئیس قوه قضاییه این موضوع را بر عهده گرفته است.

در سال‌های اخیر شاهد بودیم که قوه قضاییه بدون اینکه نظر اعضای کانون وکلای را جویا شود، آیین‌نامه‌هایی را به تصویب رسانده است. به عنوان مثال، در زمان ریاست شاهرودی بر قوه قضاییه، آیین‌نامه‌ای نظیر آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری تصویب شد که با اعتراض وکلای مسکوت ماند.

قوه قضاییه مرجع صالح برای تنظیم آیین‌نامه مربوط به

ارگان‌های مستقل از خود، نیست. در قانون به صراحت مشخص شده که این آیین‌نامه را کانون وکلای باید تنظیم کند و نهایتاً قوه قضاییه آن را تصویب و ابلاغ کند اما اینجا می‌بینیم که از کانون وکلای خبری نیست و به‌گونه‌ای آن را دور زده‌اند. به‌طور کلی از این جهت که امور وکلای و مقررات مربوط به آنها باید توسط کانون وکلای دادگستری اداره و تنظیم شود، ورود قوه قضاییه به این موضوع می‌کند نشان‌دهنده این است که [مقامات قضایی] قصد دارند کانون را در سیطره و کنترل خود قرار دهد.

در مفاد آیین‌نامه‌ای که قوه قضاییه بدون اطلاع کانون تنظیم کرده و در حال حاضر مقرر به اجرای آن در آزمون‌هاست و اکنون هم اصلی‌ترین اختلاف کانون و قوه قضاییه همین مسأله است، مسائلی پیشبینی شده که به‌طور کلی قدرت قوه قضاییه از طریق نظارت بر کانون را بیشتر می‌کند. به عنوان مثال یکی از مفاد آیین‌نامه این است که برگزاری آزمون‌ها، طراحی و امنیت سوال‌ها باید با نظارت قوه قضاییه انجام شود.

**در جدیدترین اصلاحیه طرح تسهیل مجوز کسب و کار، الزام قضات به شرکت در آزمون وکلای حذف شده است. این مسأله واکنش‌های بسیاری از حقوق‌دان‌ها را برانگیخته است. ارزیابی شما در این زمینه چیست؟**

برزین: در رابطه با طرح تسهیل دو مسأله بسیار مهم وجود دارد که کانون‌های وکلای با آن‌ها به شدت مخالف هستند. یکی از این موارد، حذف آزمون برای قضات است. تقریباً بسیاری از قضات در دوره بازنشستگی، وکالت را پی می‌گیرند که به خودی خود یک معضل محسوب می‌شود و باعث فساد می‌گردد. همچنین برخی از قضات پیش از بازنشستگی، خود را بازخرید کرده یا استعفا می‌دهند تا به سمت وکالت مشغول شوند. مشکل و مسأله این است که با این اوصاف، چرا قضات نباید مرحله آزمون را طی کنند؟ اگر آن‌ها خودشان را شایسته وکالت می‌دانند، چه لزومی دارد که بدون آزمون این حرفه را پیگیری کنند. اصلاً منطقی این موضوع چیست؟ در هر کشوری، وقتی قانون‌گذار، مسأله‌ای را مطرح می‌کند، باید برای آن ادله کافی

داشته باشد. از طرف دیگر، شورای نگهبان بر چه اساسی اعلام کرده امتحان دادن قضات برخلاف قانون اساسی است؟ کجای قانون اساسی به چنین چیزی اشاره شده است؟ اتفاقاً قانون اساسی می‌گوید که همه در برابر قانون یکسان هستند و با همه باید به صورت یکسان برخورد شود. معافیت قضات از آزمون جای بحث و بررسی دارد. تجربه کشورهای دیگر همیشه مفید است. در برخی کشورهای دیگر معمولاً کسانی که چه در جایگاه قاضی یا مشاغلی مانند سر دفتری، سابقه کار قضایی دارند، از دوره کارآموزی برای وکالت معاف می‌شوند.

براساس برخی از گزارش‌های غیر رسمی، در ماه‌های گذشته، مرکز مشاوران قوه قضاییه برای برخی از قضات شاغل در ایران، پروانه وکالت صادر کرده است. یعنی اینکه برخی از افراد که در حال حاضر به‌عنوان قاضی در مراجع قضایی مشغول به کار هستند، بلافاصله پس از بازنشستگی و بدون فوت وقت، وارد حرفه وکالت خواهند شد.

مسأله بعدی، مسأله ظرفیت‌هاست. همانطور که می‌دانیم در سال‌های گذشته برای هر شهر و استان ظرفیت جداگانه‌ای در نظر می‌گرفتند و بر اساس همان ظرفیت، پذیرش صورت می‌گرفت. قوه قضاییه اما همواره با اعلام اینکه اتخاذ چنین روشی، انحصار ایجاد می‌کند، مخالف چنین روندی بود. کانون وکلای دادگستری اما در واکنش به این ایراد، چنین استدلال می‌کرد که دو نفر از اعضای کمیسیون که ظرفیت کانون‌های وکلای در سراسر کشور را تعیین می‌کنند، مستقیماً از طرف قوه قضاییه در این کمیسیون حضور دارند و به اندازه کافی نظارت وجود دارد.

قوه قضاییه اما در نهایت از طرف خود اقدام به صدور پروانه وکالت کرد و با این اقدام غیر قانونی، تلاش کرد به تعبیر مقامات قضایی، انحصار را از کانون وکلای دادگستری بگیرد و به زعم خودشان، کمبود تعداد وکلای را جبران کنند. این در حالی است که بر پایه اعلام آقای کوشا، رئیس اسکودا، براساس اطلاعات موجود، حدود ۴۰ درصد از وکلای فعلی، به دلیل بیکاری، از تمدید پروانه وکالت خود خودداری می‌کنند.

در حال حاضر، کمیسیون ظرفیت، دیگر تصمیم‌گیرنده نیست.



### قانون اساسی نیست؟

برزین: شرط سنی در برخی از قوانین دیگر نظیر قوانین مربوط به استخدام هم وجود دارد. در سال‌های گذشته شرط سنی برای اعطای پروانه وکالت را ۲۵ سال قرار داده بودند. به نظر من بیش از مساله شرط سنی، مساله ارائه کارت پایان خدمت برای کارآموزان وکالت باید مورد توجه قرار گیرد. در سال‌های گذشته، شرط ارائه کارت پایان خدمت صرفاً برای اخذ پروانه وکالت بود و کارآموزان متعهد به رعایت این شرط نبودند. به نظر من اینکه شاغل شدن یک فرد را منوط به انجام خدمت سربازی می‌کنند، اقدام درستی نیست. در حالی این شرط را تعیین کرده‌اند که حرفه وکالت به عنوان یک شغل دولتی محسوب نمی‌گردد.

در چنین شرایطی، این احتمال وجود دارد که شاید چندین برابر ظرفیت فعلی، وکلای جدید پذیرش شوند. این مساله ممکن است منجر به ایجاد فساد در میان وکلای آینده شود. به عنوان مثال، در چنین روندی، وکلایی جذب خواهند شد که از داشتن دانش کافی برای حرفه خود بی بهره‌اند. همچنین بالا رفتن شمار وکلای دادگستری در ایران سبب گسترده‌تر شدن بیکاری میان آنها خواهد شد و در چنین وضعیتی ممکن است برخی از وکلای بیکار، درگیر کارچاق کنی و دلالی شوند.

در آیین نامه لایحه استقلال ۱۴۰۰، شرط لزوم داشتن ۲۴ سال تمام، برای ثبت نام وجود دارد. نظر شما در مورد وجود این محدودیت سنی چیست؟ آیا چنین شروطی، مغایر با

## نقض حق دسترسی به وکیل، مکانیسمی برای ایجاد خفقان در جامعه



آفاق ربیعی زاده

پرونده موکلان خود خودداری کرده‌اند.

با در نظر گرفتن این نکته که شکنجه یک امر جاری در بازداشت‌گاه‌ها و زندان‌های ایران است، می‌توان نتیجه گرفت، قوه قضاییه ایران با اتخاذ چنین تمهیداتی نه تنها تلاش دارد از افشای روند ناعادلانه دادرسی در مراجع قضایی ایران جلوگیری کند بلکه در همدستی پنهان با نهادهای امنیتی، قصد دارد بر وجود شکنجه در بازداشت‌گاه‌های امنیتی، سرپوش بگذارد. حقوق ما برای روشن‌تر شدن پیامدهای اجرای تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، با مزدک اعتماد زاده، وکیل دادگستری، گفتگو کرده است.

پرسش: به نظر شما چرا مراجع قضایی با نادیده گرفتن اصل ۳۵ قانون اساسی، تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری را به ابزاری برای سلب حقوق اساسی متهمان تبدیل کرده‌اند؟ چرا قضات دادگاه، استقلال قضایی خود را زیر سوال برده و حاضر می‌شوند تا تحت نفوذ و مطیع نیروی امنیتی باشند؟

پاسخ: معمولاً در پرونده‌های امنیتی، وکلای مستقل را نمی‌پذیرند. چرا که بازپرس و دادیار عنوان اتهامی پرونده در دادسرا را زیر فصل پنجم قانون مجازات اسلامی که مربوط به جرایم امنیتی است، برده و بدین ترتیب دادگاه هم مطیع

در روزهای پس از فروکش کردن اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸، هزاران نفر از شهروندان توسط نهادهای امنیتی در سراسر ایران بازداشت شدند به نحوی که دادرسی با تراکم شدید و بی سابقه‌ای مواجه شده بود. با این اوصاف مقامات قضایی ایران اما برای مخدوش سازی حق دفاع و همچنین برای کنترل بیشتر بر اوضاع، اجرای تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری را با شدت بیشتری در دستور کار خود قرار دادند.

به موجب این تبصره، در اتهامات مرتبط با امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی باید وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که «مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد»، انتخاب کنند.

یکی دیگر از کارکردهای اتخاذ چنین رویکردی از سوی قوه قضاییه ایران، جدا از نقض واضح حق دفاع متهمان سیاسی، جلوگیری از درز جزئیات پرونده زندانیان سیاسی به رسانه‌ها است. در سال‌های گذشته، وکلای مورد تأیید قوه قضاییه همواره از مصاحبه با رسانه‌های مستقل و افشای جزئیات

بازپرس می‌شود و پرونده، امنیتی محسوب می‌گردد. حتی در دادگاه تجدیدنظرهم پرونده‌های اینچنینی، امنیتی محسوب می‌شوند. به عنوان مثال، شخصی به رهبر توهین می‌کند. قضات این اقدام را هم زیر عنوان اتهامی «توهین به ائمه» یا «توهین به رهبری» که جزو اتهامات امنیتی است، می‌برند. رسیدگی به اتهام «توهین به رهبری» در صلاحیت دادگاه انقلاب است اما اتهام «توهین به ائمه» در دادگاه عمومی بررسی می‌شود. برای حکومت ایران، رسیدگی به اتهام «توهین به رهبری» مهم‌تر از توهین به ائمه محسوب می‌شود. بدین ترتیب قضات به‌گونه‌ای، مطیع مرجع امنیتی می‌شوند. معمولاً پرونده‌هایی که در وزارت اطلاعات گشوده می‌شود تا پایان مراحل دادرسی، حالت امنیتی دارد. با وجود اینکه ممکن است موضوع فقط یک توهین ساده یا اظهار نظر باشد که امنیتی محسوب نمی‌شود.

پرسش‌هایی که در اینجا مطرح می‌شود این است که عنصر امنیتی بودن را چگونه باید احراز کرد؟ آیا جرم امنیتی و سیاسی در قانون تعریف شده است؟

در پاسخ باید گفت در قوانین داخلی ایران، هیچ مکانیسمی برای تشخیص عناصر و ارکان فعل متهم در جهت احراز جنبه امنیتی عمل وجود ندارد. برای نمونه، اگر ضابطان قضایی از نیروی انتظامی باشند و پرونده را در کلانتری باز کنند، عنوان اتهامی را توهین به ائمه در نظر می‌گیرند اما اگر وزارت اطلاعات این پرونده را باز کند، عنوان اتهامی توهین به رهبری منتسب می‌شود.

گذشته از موارد یاد شده، مقامات قضایی در ایران، برای گرفتن ترفیع، نیازمند دریافت تأییدیه از طرف نیروهای امنیتی و به ویژه وزارت اطلاعات هستند. به عنوان مثال، یکی از ارگان‌ها و مراجعی که باید شخص قاضی را تأیید کند تا او بتواند از دادگاه بدوی به دادگاه تجدیدنظر یا از دادگاه تجدیدنظر به دیوان عالی کشور منتقل شود، وزارت اطلاعات است.

در یکی از مواردی که شاهد آن بودم، زمانی که یک قاضی برای درخواست انتقال از شهرستان به تهران، به دفتر غلامحسین محسنی اژه‌ای در معاونت دادرسی دیوان عالی کشور مراجعه



کرده بود، به او گفته بودند که تأییدیه نقل و انتقال هزینه دارد. از سوی دیگر می‌دانیم که محسنی اژه‌ای، در سال‌های گذشته به عنوان وزیر اطلاعات در دولت حضور داشته و وزیر اطلاعات سابق در حال حاضر رئیس قوه قضاییه است. با در نظر گرفتن این موارد به سادگی می‌توان به دلایل عدم استقلال قضات دادگاه در ایران پی برد. وقتی قاضی استقلال نداشته باشد، به هیچ روی نمی‌تواند از قانون حمایت کرد.

پرسش: پیشتر هم لیست وکلای تبصره ماده ۴۸ اعلام شده بود اما اخیراً با شدت بیشتری در دستور کار قرار گرفته و در ماه‌های اخیر، بازپرس در موارد متعددی در مرحله دادرسی به سادگی اجازه ورود وکیل انتخابی متهم را به دادرسی نداد. به نظر

شما دلیل این امر چیست؟ علت فراگیرتر شدن اجرای چنین تبصره‌ای به ویژه در نقض حق دسترسی بازداشت شدگان اعتراضات سراسری به وکیل در سال‌های اخیر چه بوده است؟ پاسخ: اجازه دهید این مسأله را با مثالی از تجربیات کاری خود توضیح دهم. پرونده‌ای در بیرجند داشتم که وکالت‌ام را در دادگاه بدوی هم قبول نکرده بودند. نه تنها به بهانه تبصره ماده ۴۸ در دادرسی، وکالت من پذیرفته نشد بلکه بنا به استدلال قاضی، چون پرونده امنیتی بود، در دادگاه و دادگاه تجدیدنظر هم اجازه دسترسی به وکیل خارج از تبصره ماده ۴۸ به متهم داده نشد. این موضوع حتی در رأی دادگاه هم درج شده است.

این تبصره، انتخاب وکیل را برای متهم محدود می‌کنند و حق

اساسی او را با توجه به اصل ۳۵ قانون اساسی از بین می‌برد. برداشت من این است که نیروهای امنیتی هر چند مدت یک بار میزان فشار را کم یا زیاد می‌کنند. از این رو بنا به برنامه‌ای که دارند با افزایش فشار، اختناق ایجاد می‌کنند یا به عنوان مثال در زمان‌های نزدیک به انتخابات برای اینکه نشان دهند که جامعه، یک جامعه باز است از این فشار کم می‌کنند. افزایش فشار برای وکلا هم محسوس است که یکی از موارد آن عدم پذیرش وکالت آن‌ها در دادرسی است.

پرسش: پس می‌توان گفت که محتوای تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری کاملاً خلاف قانون اساسی است؟

پاسخ: دقیقاً. درمورد پرونده‌ای که در پاسخ به پرسش قبلی درباره آن صحبت کردم، یکی از استدلال‌هایی که برای رئیس دادگستری خراسان جنوبی آوردم این بود که این تبصره، مخالف اصل ۳۵ قانون اساسی است و اراده متهم را برای انتخاب وکیل محدود می‌کند.

در اینجا باید دو نکته را باید یادآور شوم، اول اینکه قضات دادگاه‌های ایران تحت تأثیر وزارت اطلاعات قرار دارند. قانون انتخاب و تأیید قضات مصوب سال ۹۰ مبتنی بر گرفتن تأییدیه از وزارت اطلاعات است. به دلیل همین تسلط نهادهای امنیتی بر قضات، آنها مجبورند مطیع نیروهای اطلاعاتی باشند. بازخورد چنین رویه‌ای را در تلاش برای تحت پوشش قرار دادن کانون وکلای زیر نظر اداره اطلاعات می‌بینیم که در صورت اجرا شدن چنین طرح‌هایی، هم قاضی و هم وکیل، مطیع نیروهای امنیتی خواهند بود. به این ترتیب حقوق اساسی مردم به معنای واقعی خدشه دار شده و خفقان بیشتر خواهد شد.

نکته دوم اینکه هرچه نیروهای امنیتی، اختیار بی حد و حصر و قدرت بدون مرز داشته باشند، مردم بیشتر از حقوق اساسی خود محروم خواهند شد. این وظیفه قانون‌گذار است که حد و مرز مناسب را برای همه تعیین کند تا جامعه احساس امنیت بیشتری کند.

در حقیقت از منظر آموزه‌های حقوق بشری و علم حقوق، لازمه بهرمندی از حق دسترسی به وکیل، انتخاب آزادانه وکیل است. حتی در قوانین داخلی ایران هم این حق قید شده است. در اصل ۳۵ قانون اساسی، انتخاب وکیل مورد تأکید قرار گرفته است. در ماده ۳۱ آیین دادرسی مدنی هم بر حق انتخاب وکیل تأکید شده است. در آیین دادرسی کیفری در ماده ۱۹۰ هم در مورد جرایم عمومی کیفری، حق انتخاب وکیل حتی در مرحله مقدماتی مورد تأکید قرار دارد.

این تأکیدات نشان دهنده این موضوع است که صرف محدود کردن حق انتخاب وکیل برای متهمان، به معنی نقض حقوق شهروندی است. جدای از اینکه حقوق زندانی و متهم نقض می‌شود، اساساً این حقوق شهروندی و حقوقی اساسی بشری است که به واسطه اعمال محدودیت در حق انتخاب وکیل، نقض می‌شود.

اتهام امنیتی در ایران به ویژه اتهام اقدام علیه امنیت داخلی به افراد بسیاری منتسب شده و به راحتی هم مکتسب می‌شود. آنجایی که نهادهای امنیتی بخواهند برخوردی با روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی، فعالان مدنی، فعالان حقوق بشر، فعالان حقوق کودک، فعالان حقوق زنان، هنرمندان و با همه افراد جامعه داشته باشند، به راحتی این اتهام را متوجه آن‌ها می‌کنند. در نتیجه با این اتهام آن‌ها را در مرحله مقدماتی از دسترسی به وکیل انتخابی خود محروم می‌کنند.

از آنجایی که وکیل انتخاب شده، وکیل اصلی و وکیلی مورد اعتماد متهم است، وقتی که در مرحله مقدماتی به پرونده دسترسی نداشته باشد، دفاع هم برای او در مرحله دادرسی یعنی در جریان برگزاری دادگاه مشکل‌تر می‌شود. چراکه برای متهمان به جرایم امنیتی در ایران، این مرحله مقدماتی است که بسیار حیاتی است. به دلیل اینکه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در این مرحله مقدماتی هرآنچه که بخواهند از آزار و اذیت متهم، اعمال فشار و شکنجه برای کسب و اخذ اعتراف اجباری، انجام می‌دهند.

از طرف دیگر، در موارد بسیاری، متهمان در دادگاه به دلیل آنچه که گفته شده اعتراف در دوران مقدماتی بوده، محکوم می‌شوند. در نتیجه به سادگی با استناد به اعترافات اجباری

به زندان و مجازات‌های دیگر محکوم می‌شوند. بدین ترتیب آنجایی که افراد باید در جایگاه متهم از حقوق خود بهره مند باشند و به اطلاعات و قوانین دسترسی داشته باشند، از حقوق اصلی خود محروم می‌مانند.

بسیاری از متهمان از قانون چیزی نمی‌دانند و بازجویان نهادهای اطلاعاتی و امنیتی به واسطه عدم آگاهی متهمان نسبت به قوانین، آن‌ها را تحت فشار قرار داده و به مجازات‌های سنگین و اقدامات غیرقانونی تهدید کرده و شکنجه می‌کنند. گرچه نظام قضایی ایران، نظام عادلانه‌ای نیست، در این مقطع نقش وکیل و حضور او می‌تواند برای متهم بسیار کمک کننده باشد. با توجه به اینکه کیفرخواست و پرونده اصلی در مرحله مقدماتی شکل می‌گیرد، حضور وکیل در این مرحله بسیار حیاتی است. چراکه کیفرخواست صادره توسط دادستانی، مورد استناد اصلی دادگاه به ویژه دادگاه‌های انقلاب که به جرایم امنیتی رسیدگی می‌کنند، قرار می‌گیرد و بر اساس همان کیفرخواست مجازات را صادر می‌کنند و آن را مستند محکومیت قرار می‌دهند.

می‌دانیم که عدم حضور وکیل در چینی روندی، چقدر می‌تواند برای متهمان مخرب باشد و آن‌ها را از حقوق خود در جایگاه متهم همچون حق برخورداری از آزادی با صدور قرار وثیقه، بهره‌مندی از امکانات درمانی، ملاقات با اعضای خانواده و بهره‌مندی از تلفن محروم سازد.

معمولاً بازپرس برای اعمال آزار و اذیت بیشتر بر متهمان، از صدور قرار وثیقه خودداری می‌کند. در صورت وجود وکیل مورد اعتماد، این حقوق متهم می‌تواند یادآوری شود. مهم‌تر از همه اینکه با حضور وکیل مورد اعتماد، متهم می‌تواند نسبت به قوانین، آگاهی و اطلاعات بیشتری داشته باشد. همه این حقوق به واسطه اعمال محدودیت در انتخاب وکیل می‌تواند حقوق متهم را زیر سوال ببرد و آن را نقض کند.

پرسش: آیا عدم دسترسی به وکیل انتخابی صرفاً به مرحله دادسرا محدود است یا در جریان برگزاری دادگاه هم می‌تواند اعمال شود؟

پاسخ: باید گفت که بر اساس تبصره ماده ۴۸، به صراحت

## معین خزائی: نقض حق دسترسی به وکیل،

### نقض حقوق اساسی بشری است

قرار داده است.

از سوی دیگر، مفاد مندرج در تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری با اصل استقلال وکیل دادگستری در انجام امر دفاع هم مغایرت دارد چراکه در دستور کار قرار گرفتن چنین رویکردی، در وهله اول وکلایی که صلاحیت و وثاقت آنها برای دفاع از متهمان پرونده‌های سیاسی توسط قوه قضاییه تأیید شده را در تنگنایی قرار می‌دهد تا از هراس رد صلاحیت توسط مقام قضایی، به دفاع آزادانه و جامع از حقوق موکل خود نپردازند. حقوق ما در پیوند با موارد یاد شده با معین خزائی، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر گفتگو کرده است.

پرسش: اجرا شدن تبصره ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، به طور مشخص، چه حقوقی را از متهمان سلب می‌کند؟

پاسخ: حق انتخاب وکیل جزو حقوق اساسی همه شهروندان، فارغ از شاکی و متهم است. این حق جزو حقوقی است که همه شهروندان برای دادخواهی عادلانه باید از آن برخوردار باشند. در قوانین بین‌المللی حقوق بشری، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اسناد بین‌المللی، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، آیین‌نامه اروپایی زندان‌ها، سند اصول اساسی سازمان ملل متحد درباره وکلا و در همه این اسناد بین‌المللی آنچه که مورد تأکید قرار گرفته، حق بهره‌مندی از وکیل به واسطه انتخاب آزادانه وکیل است.

### آفاق ربیعی زاده

حق دفاع و حق دسترسی به وکیل از بدیهی ترین اصول عدالت قضایی و دادرسی عادلانه است که در قوانین داخلی ایران و همچنین در اسناد حقوقی بین‌المللی بر آن تأکید شده است.

طبق استانداردهای بین‌المللی، در بسیاری از کشورها حق دسترسی به وکیل برای همه متهمان، فارغ از عناوین اتهامی، به رسمیت شناخته شده است. در اسناد متعدد بین‌المللی حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، حق دسترسی به وکیل مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است.

همچنین در اصل ۳۵ قانون اساسی ایران آمده است: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.»

به عبارت دیگر، در یک روند دادرسی متعارف، قاضی موظف است پیش از آغاز تحقیق و بازجویی، متهم را از حق داشتن وکیل مطلع نماید.

قوه قضاییه ایران اما با تصویب و اجرای تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری، حق بدیهی دسترسی به وکیل را از متهمان سلب کرده و تعیین تکلیف آن را در اختیار رئیس قوه قضاییه

می‌کنند؟

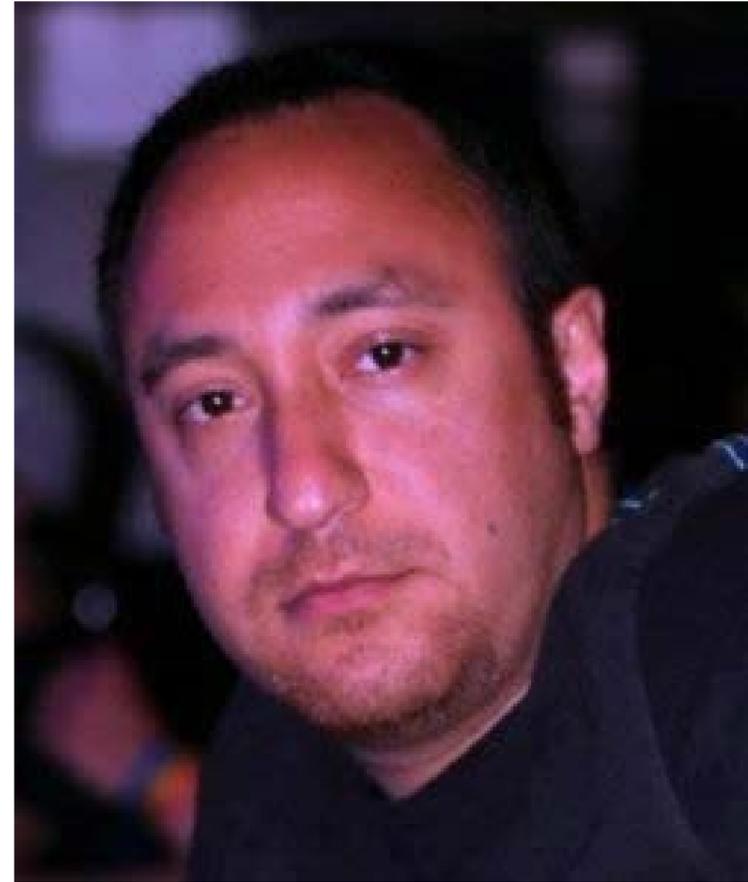
قانونا این محدودیت باید در دادسرا و مرحله مقدماتی اعمال شود ولی می‌بینیم که بعضا دادگاه‌های انقلاب در مرحله دادگاه هم آن را اجرا می‌کنند گرچه که بر خلاف قانون است.

**پرسش: به نظر شما دلیل تصویب و اجرای تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری چیست؟**

پاسخ: علت تصویب و اجرای این تبصره، قانونی کردن اعمال فشار بیشتر و مضاعف بر متهمان امنیتی است. آنچه که به عنوان اتهامات امنیتی در ایران خوانده می‌شود آنقدر تعریف گسترده و نامشخصی در قانون مجازات دارد که به راحتی می‌شود آن را به همه افراد و همه اعمال و رفتارها منتسب کرد و دستاویزی برای نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و دستگاه قضایی برای فشار بر فعالان مدنی و شهروندان و سرکوب بیشتر آزادی خواهان و افرادی که به دنبال حقوق خود هستند، فراهم کرد.

مشخصا برخورد قانونی با چنین افرادی با استناد به اتهامات امنیتی باید هم برای نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و هم برای دستگاه قضایی آسان تر می‌شد. بنابراین برای آسان تر شدن کار، به ویژه در مرحله مقدماتی، یعنی آنجایی که پرونده ساخته و پرداخته و در حقیقت توسط دادسراها در همکاری با نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جعل می‌شود، جایی که اعترافات اجباری اخذ می‌شود، سندسازی می‌شود و جعل صورت می‌گیرد، این ماده تصویب شد و دسترسی چنین متهمانی به وکلای انتخابی خود محدود گشت. از این رو امکان صدور راحت تر حکم در دادگاه هم میسر شد.

با توجه به اینکه وکلا در مرحله مقدماتی حضور نداشته‌اند، کار دفاع برای آن‌ها سخت تر خواهد شد. گرچه باید این را هم عنوان کرد که همه وکلای مورد تأیید قوه قضاییه وابسته نیستند و وکلایی وجود دارند که سعی می‌کنند حقوق متهمان را استیفا و از حقوق آن‌ها به عنوان یک انسان، دفاع کنند. در عین حال این قانون نه تنها برخلاف حقوق زندانی و متهم است بلکه به طور کامل، برخلاف حقوق شهروندی انسان‌هاست.



محرومیت از حق دسترسی به وکیل انتخابی صرفا در مرحله تحقیقات مقدماتی یا دادسرا باید اعمال شود و در زمانی که پرونده تکمیل و کیفرخواست صادر شده و برای رسیدگی به دادگاه ارسال می‌شود، متهم این اجازه را دارد که از وکیل انتخابی خود استفاده کند. این آن چیزی است که قانون صراحتا تأکید کرده و با استناد به همین قانون، اگر رویه غیر از این باشد، برخلاف قانون و تخلف است. اما مسأله این است که آن چه دادگاه‌های انقلاب اعمال می‌کنند، هیچ نشانی از اجرای قانون ندارد. روندی که در دادگاه‌های انقلاب اجرا می‌شود، از ابتدا تا انتها روندی کاملا غیرقانونی است. از این رو این حق هم به راحتی در دادگاه‌های انقلاب نقض می‌شود. در این دادگاه‌ها هر آنچه که دل‌شان بخواهد انجام می‌دهند و هر نوع برخوردی با متهم و وکلای او می‌کنند. وکلا در موارد بسیاری، خودشان هم به دلیل اینکه حرفه خود را دنبال کرده و از متهم دفاع می‌کنند، متهم می‌شوند. در مواردی برای آن‌ها پرونده هم تشکیل شده که چرا از یک متهم خاص دفاع

## وکلاي غير مستقل؛ مطلوب جمهوری اسلامی



نقی محمودی

ت. جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر ن- جرائم سیاسی و مطبوعاتی جرائم مندرج در این ماده، از جمله جرائمی هستند که حاکمیت جمهوری اسلامی، از افشاء جزئیات و جریان دادرسی آنها مشوش می‌شود. بدین ترتیب با تصویب مواد مذکور تلاش کرد که با ایجاد محدودیت در مرحله تحقیقات مقدماتی و استنطاق برای وکلای مستقل حقوق بشری، حتی الامکان از فشار افکار عمومی و سازمان‌های بین المللی حقوق بشری بر روی خود بکاهد.

تاکید بر ممنوعیت مداخله «وکلاي غير» در مرحله تحقیقات مقدماتی به این دلیل است که اساس و بنیان یک پرونده در این مرحله شکل گرفته و تغییر آن در مرحله رسیدگی در دادگاه، دشوار است. چرا که اقرار متهم و همچنین جمع‌آوری دلائل جرم، در همین مرحله تکوین می‌یابد و از سوی دیگر شاید متهم در مراحل بعدی کمتر به فکر استخدام وکیل غیر موثق قوه قضائیه برآید.

سابقه محدودیت برای وکلا حقوق بشر در جمهوری اسلامی: محدودیت و گاه ممنوعیت برای وکلای حقوق بشری به تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری منحصر نمی‌شود.

الف- ممنوعیت و محدودیت وکلا در دهه‌ی شصت: حرفه وکالت و وکلا، از آغاز تاسیس جمهوری اسلامی تا به حال، در معرض شدیدترین تحديدها قرار گرفته‌اند. این تحديدها گاه به صورت کامل و گاه به صورت نسبی بوده است. در چند سال نخست حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، قضات دادگاه‌ها به صورت دل‌بخواهی و سلیقه‌ای مانع از حضور وکلا در دادگستری و مداخله‌شان در پرونده‌ها می‌شدند. آنان چنین می‌پنداشتند که وکلا باعث اطاله‌ی دادرسی و مانع از صدور احکام الهی و شرعی

در پی افزایش مصاحبه‌ی وکلای حقوق بشری با رسانه‌ها - علی‌رغم افزایش فشار بر این وکلا- در پرونده‌هایی که قوه قضائیه‌ی جمهوری اسلامی آن‌ها را «پرونده‌های امنیتی» می‌نامد، مجلس جمهوری اسلامی ایران در راستای ایجاد محدودیت بر وکلای مستقل، دست به اقدام دیگری زد: تصویب ماده‌ی ۴۸ و تبصره‌ی آن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

طبق ماده‌ی ۴۸ قانون مذکور: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.» اما در تبصره‌ی ماده‌ی فوق‌الذکر، برای مداخله‌ی وکلا در جرائم مشخصی که در این تبصره احصاء شده است، قائل به استثنا شد.

طبق این تبصره: «در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌گردد.»

جرائم احصاء شده در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری که جملگی در صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری یک هستند، بدین قرارند: الف- جرائم موجب مجازات سلب حیات

ب- جرائم موجب حبس ابد

پ. جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف ديه کامل یا بیش از آن



می‌شوند و با وجود حکام شرع، اساساً نیازی به حضور وکیل در روند دادرسی نیست.

همچنین به استثنای دو سه سال بعد از تاسیس جمهوری اسلامی تا اواخر سال ۶۷، دادسرا و دادگاه‌های انقلاب اسلامی مانع مداخله وکلا در پرونده‌های سیاسی - به تعبیر آنان جرائم ضد انقلاب - می‌شدند و جمله مشهور اسدالله لاجوردی هنوز از خاطره‌ها محو نشده است که گفته بود وکلا حتماً باید اعتقادی به باورهای موکلین خود داشته باشند که بخواهند از آنان دفاع کنند!

اما پس از اعدام هزاران هوادار و عضو سازمان‌های سیاسی در دهه ۶۰ و به خصوص شهریور سال ۶۷، به شکلی کاملاً محدود و سلیقه‌ای تنها به وکلای مسن یا قضات بازنشسته اجازه وکالت در پرونده‌های سیاسی اعطا شد. بعد از کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، در ادبیات سیاسی که به درستی به « فاجعه‌ی ملی » شهرت یافت، یکی از وکلای که در پرونده‌های سیاسی در تبریز و سایر شهرهای آذربایجان، خوش درخشید، دکتر ابوالفتح ابوالفتحی بود. دکتر ابوالفتحی قاضی بازنشسته بود و خواهرش «ثریا ابوالفتحی» را رژیم جمهوری اسلامی در ۲۰ سالگی و در حالی که شش ماهه حامله بود، به جوخه‌ی آتش سپرده بود. افتخار شاگردی دکتر ابوالفتحی، خوشبختانه نصیب من هم شده بود و یکی از تاثیرگذارترین شخصیت‌های زندگی‌ام محسوب می‌شود.

با این وصف، دکتر ابوالفتحی هم، اجازه‌ی حضور و مداخله در پرونده‌های دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت را نداشت.

ب- محدودیت وکلای غیرروحانی و حتی روحانی در دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت:

در حال حاضر، هنوز هم وکلای غیر روحانی اجازه‌ی وکالت در دادسرا و دادگاه‌های ویژه روحانیت را ندارند و حتی برای خود وکلای روحانی نیز بایستی مجوز خاصی در این خصوص صادر شود و گرنه هر وکیل روحانی‌ای هم به صرف روحانی بودن و بدون داشتن چنین مجوزی، قادر به وکالت در دادسرا و دادگاه مذکور نیست.

مضافاً بر این که اساساً فعالیت دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت، جایگاه قانونی نداشته و صرفاً با صدور دستوری از طرف روح‌الله خمینی، آغاز به فعالیت کرده است. روح‌الله خمینی دستور تاسیس دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت را به نیت عدم درز اطلاعات جرائم ارتكابی روحانیون وابسته به جمهوری اسلامی داد. هر چند که بعدها گذر روحانیون مخالف جمهوری اسلامی هم به این دادسرا و دادگاه‌ها افتاد.

پ - محدودیت از طریق تصویب و اجرای ماده‌ی ۱۸۷ قانون برنامه‌ی سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران:

ماده‌ی ۱۸۷ قانون مذکور مقرر می‌دارد به منظور اعمال حمایت‌های لازم حقوقی و تسهیل دستیابی مردم به خدمات قضایی و حفظ حقوق عامه، به قوه قضاییه اجازه داده شود نسبت به تأیید

شود و از خود دفاع کند و در مواردی که مصالح دادگستری ایجاب می‌کند از طرف دادگاه راساً برای او وکیل تعیین می‌شود که در صورت عجز از پرداخت حق الوکاله، هزینه‌ای نخواهد داشت.

همچنین بر این نکته تصریح شده است که قبل از انجام هر نوع اقدامی و به ویژه بازجویی، متهم باید حق بهره‌مندی از معاضدت یک وکیل به انتخاب خویش را داشته باشد و تنها در صورتی می‌تواند بدون حضور وکیل اقدامات معمول را ادامه داد که به صراحت از معرفی وکیل چشم‌پوشی کند که در غیر این صورت عدالت قضایی تحقق نخواهد یافت.

با اجرای تبصره‌ی مورد بحث اما متهم در مرحله‌ی بازجویی و تحقیقات مقدماتی حق برخورداری از وکیل انتخابی را نداشته و صرفاً از میان وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضاییه، وکیل برای دفاع از خود تعیین می‌کند (در واقع وکیل از قبل برای او تعیین شده است). قطعاً چنین وکلایی حقوق متهم را رعایت نکرده و صرفاً مصالح حاکمیت را تأمین خواهند کرد. به عبارت دیگر آنها نه در کنار موکل بلکه در کنار بازجو جای خواهند گرفت.

این در حالی است که مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی حساس‌ترین و مهم‌ترین مرحله‌ی یک پرونده است و سرنوشت یک متهم غالباً در این مرحله رقم می‌خورد. با این وصف اگر به جای یک وکیل منتخب حقوق بشری، وکیل وکالت متهم یا متهمان پرونده را بر عهده بگیرد که مورد وثوق حاکمیت است، دفاع مقتضی صورت نخواهد گرفت.

از سوی دیگر چنین وکلایی، حاضر به انجام مصاحبه و اطلاع‌رسانی در مورد روند رسیدگی به پرونده و تخلفات احتمالی پلیس و قضات نخواهند بود و به این ترتیب حاکمیت خواهد توانست به مدد پلیس، قاضی و وکیل منسوب به خود و در سکوت کامل خبری، به نقض سیستماتیک حقوق بشر ادامه دهد.

#### نتیجه‌گیری:

همان گونه که در متن نیز اشاره شد، حق انتخاب آزادانه وکیل دادگستری نه تنها در کنوانسیون‌های بین‌المللی، بلکه حتی بدان در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم تأکید شده است. انتخاب وکیل مورد اعتماد معمولاً از طریق شناخت قبلی مستقیم و یا غیر مستقیم وکیل از سوی موکل صورت می‌گیرد. تحمیل وکیل که موکل نسبت به او هیچ شناختی و یا اعتمادی ندارد، نقض آشکار اصل دادرسی عادلانه است. با این وصف، اما وجود یک قانون وکلای مستقل از قوه قضاییه و حاکمیت همیشه خواب حکومت‌های توتالیتر را آشفته می‌کند؛ وکلای مستقلی که بدون اطاعت از سیستم حاکم، وکالت انسان‌های تحت جور حاکمیت را بر عهده بگیرند.

به همین دلیل حکام مستبد همواره در تلاشند تا به لطایف‌الحیل، استقلال کانون‌های وکلا را تحدید و مخدوش کند. جمهوری اسلامی ایران هم به عنوان یکی از حکام مستبد دنیای معاصر، در همین راستا حرکت می‌کند.

وکلا‌ی مزبور توسط رئیس قوه قضاییه اعلام می‌شود.»

هر چند در سال‌های گذشته و به دفعات، مقامات مختلف جمهوری اسلامی ایران وکلاراً تهدید و از قبول وکالت در پرونده‌های سیاسی برحذر می‌داشتند، ولی با تصویب این قانون آخرین میخ بر تابوت استقلال کانون وکلا در جمهوری اسلامی کوبیده شد.

این ماده نه تنها در مغایرت با استقلال وکلاست، بلکه توهین به وکلا نیز محسوب می‌شود. این تبصره در تعارض با قانون اساسی و اصل حق دفاع از متهم و حق دادرسی منصفانه و عادلانه است چون در قانون اساسی از حق اختیار وکیل سخن گفته شده است و متهم باید در انتخاب وکیل خویش به منظور دفاع از پرونده اتهامی او، آزاد باشد. از سوی دیگر این تبصره اصل بی‌طرفی قوه قضاییه را نیز زیر سوال می‌برد.

در همین راستا اما دادگستری تهران با تدوین و ابلاغ یک لیست ۲۰ نفره از وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضاییه برای دادسراهای این استان، نسبت به اجرای تبصره‌ی ماده‌ی ۴۸ اقدام کرده است. در این لیست اما قافیه چنان تنگ آمده است که یکی از وکلای دادگستری استان مازندران نیز در زمره‌ی وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضاییه در دادگستری تهران قید شده است.

چنین لیست مشابهی برای سایر استان‌ها نیز تهیه شده است اما صرف تأیید وکلای منحصر از میان هزاران وکیل و اعطای مجوز خاص به آنها، در وهله‌ی اول نشانگر ترس حاکمیت از وجود وکلای مستقل و مدافع حقوق بشر است و گرنه تأیید صلاحیت دوباره یا اعطای مجوز خاص به عده‌ی خاصی از وکلا با وجود احراز شرایط لازمه‌ی وکالت و اشتغال چندین ساله به حرفه‌ی وکالت، امری قبیح و زائد است.

از سوی دیگر، تصویب و اجرای تبصره‌ی ذیل ماده‌ی ۴۸ قانون مذکور در تضاد با اصول دسترسی آسان و انتخاب آزادانه وکیل دادگستری و در نتیجه از موجبات نقض اصل دادرسی منصفانه و عادلانه است. این در حالی است که اصل ۳۵ قانون اساسی ایران به صراحت اعلام می‌کند: «در همه‌ی دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» همچنین وفق اصل ۱۵۶ قانون اساسی قوه قضاییه باید با حفظ استقلال خود مدافع حقوق فردی و اجتماعی شهروندان بوده و وظیفه‌ی اجرای عدالت را بردوش کشد.

در کنوانسیون‌های بین‌المللی هم یکی از اصول دادرسی عادلانه برخورداری متهم از حق داشتن وکیل در تمامی مراحل تحقیقات مقدماتی و محاکماتی است.

بند (ب) و (د) ماده ۴۱ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که حق انتخاب وکیل در دفاع متهم از خود را مطرح کرده‌اند صراحتاً بر «به انتخاب خود متهم» تأکید کرده‌اند. همین حق در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و اسناد منطقه‌ای آمریکا و آفریقا نیز به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است:

فرد در محاکمه می‌تواند شخصا یا با «وکیل منتخب خود» حاضر



## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر

ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)